



زهرا (نجمه)
شمسی بخش و
نیلوفر قلعه‌وند دو
دختر جوانی بودند
که سحرگاه جمعه
به شهادت رسیدند



**سحرگاه
جمعه، تهران**
در خواب
بود. خواب
مردمانی
که نه سلاح
داشتند، نه
سپر؛ خواب
کودک‌انی که
روپاهایشان را
با لبخندهای
مادرانه
به شب
می‌بردند؛
خواب پدرانی
که قرار
نبود جنازه
دخترانشان
را از زیر آوار
بیرون بکشند

برج مسکونی «سرو اساتید» در سعادت‌آباد بودند؛ ساختمانی پر از استادان دانشگاه و اعضای هیأت علمی. اساتید رشته‌های مختلف که با خانواده در این برج مسکونی زندگی می‌کردند. همسایه‌شان کسی نبود جز شهید طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد و دانشمند هسته‌ای و وقتی خانه طهرانچی در آن سحرگاه شوم هدف قرار گرفت، موج انفجار از دیوارها گذشت، از مرزهای بی‌گناهی عبور کرد و به خانه نجمه رسید. او در همان لحظه به شهادت ناثل آمد. خانواده‌اش زنده ماندند، فقط خواهرش مجروح شد که او را به بیمارستان بردند. اما هیچ کس نمی‌تواند جای خالی نجمه را در این خانه پر کند. نه در دل مادر، نه در چشم پدر، نه در قلب خواهری که حالا هر شب با بغض می‌خوابد.

کوه، دوچرخه، زندگی

دوست نجمه در ادامه از علاقه زیاد او به کوهنوردی و دوچرخه‌سواری می‌گوید و ادامه می‌دهد: «به نظر من که سال‌ها از نزدیک او را می‌شناسم، زهرا زندگی را به معنای خوب زندگی کردن دوست داشت. بسیار انسان فعال و اجتماعی و اهل ورزش کوهنوردی و دوچرخه‌سواری بود. تابستان و زمستان کوهنوردی می‌کرد و معتقد بود کوهستان روح انسان را صیقل و به انسان شوق زندگی می‌دهد. مهربانی‌های او زیانزد بود و بعد از شهادت خیلی از دوستانش از مهربانی‌ها و گذشت و فداکاری‌اش می‌گویند.»

وی ادامه می‌دهد: «نکته مهمی که می‌توانم درباره زهرا و ویژگی‌های او بگویم این است که وی بسیار متواضع و این خصیصه در خانواده او نیز خیلی پررنگ بود. بسیار مهربان و به قولی خاکی و در کنار آن حمایت‌گر بود. با این وجود زهرا هیچ‌گاه از جایگاهی که پدرش داشت استفاده نمی‌کرد، حتی زمانی که با شخص جدیدی آشنا می‌شد، خودش را نجمه شمس معرفی کرده و فامیلی‌اش را کامل بیان نمی‌کرد؛ این هم به این دلیل بود که طرف مقابل به خاطر پدر زهرا برای او خارج از روال، کاری انجام ندهد. خیلی از اطرافیان نمی‌دانستند که او دختری یکی از مسئولان است و در زندگی‌اش به گونه‌ای بود که به

توانایی خودش تکبیه می‌کرد. این ضایعه تلخ و شهادت زهرا قطعاً برای خانواده او بسیار سخت و دشوار است. زهرا دختر بزرگ خانواده بود و هیچ وقت چهره مهربان و لبخندهای او را فراموش نمی‌کنم.»

لبخند ورزشکاری که خاموش شد

تجاوز اسرائیل در سحرگاه جمعه ۲۳ خرداد به ایران، بجز فرماندهان ارشد سپاه، مقامات نظامی و هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، جان تعداد دیگری از غیرنظامیان را هم گرفت. نیلوفر قلعه‌وند یکی از آنهاست؛ جزو مردمی که شب را در خانه‌هایشان خوابیدند اما صبح فردا را ندیدند. این بانوی مربی پیلاتس به همراه پدر و مادرش در تجاوز جنایت‌بار و غیرانسانی رژیم صهیونیستی به مناطق مسکونی به شهادت رسیدند نیلوفر قلعه‌وند، نه نظامی بود و نه سیاستمدار. بمب‌ها نمی‌توانند خاطره‌ها را نابود کنند. لبخندها در یادها زنده می‌مانند، اما جای خالی‌شان دردناک‌تر از هر چیزی است. نادیا یکی از دوستان نیلوفر قلعه‌وند با صدای بغض‌آلود می‌گوید: «نیلوفر دختری بود که زندگی در نگاهش موج می‌زد. همیشه عشق به ورزش و سلامتی را به دیگران توصیه می‌کرد. نه سرباز بود، نه سیاستمدار. نه حتی خبر داشت که سرنوشت دارد چه نقشه‌ای برایش می‌کشد... فقط چند روز مانده بود به تولد ۳۲ سالگی‌اش اما با آتش‌گذاران، از میان ما رفت. روپاهای زیادی در سرداشت، قلیش می‌تپید برای فردایی که هرگز نرسید..» او صحبت‌هایش را این‌گونه ادامه می‌دهد: «صدایش دائم در سالن باشگاه می‌پیچد، لبخندش در خاطره‌هایمان حک شده، اما جایش ... جایش برای همیشه بین‌مان خالی است. این روزها تلخ‌تر از آن است که بتوانیم واژه‌ها را درست کنار هم بچینیم و از اتفاقات بگوییم. اما اگر چیزی باقی مانده باشد، عشق، دوستی و خاطرات قدیمی است. یاد نیلوفر وامثال او در دل‌هایمان زنده خواهد ماند. همه ما برای نیلوفرها، برای تمامی عزیزانی که بی‌هیچ گناهی پر کشیدند و شب‌هایشان دیگر صبح ندارد، برای قلب‌هایی که زیر آوار خرد شدند، تا ابد سوگواریم.»

شهادت دودختر ایرانی طی عملیات تروریستی صهیونیست‌ها در چهاردیواری امن‌شان

لبخندهایی که زیر آوار گم شدند

گزارش

کودک، به خاک و خون کشیده شدند. بی‌هیچ سلاحی، بی‌هیچ گناهی و در میان این سیاهه خون و اندوه، خانواده‌های بسیاری داغدار شدند. زهرا (نجمه) شمس بخش و نیلوفر قلعه‌وند، دو دختر جوانی بودند که سحرگاه جمعه به شهادت رسیدند. دو دختر، دو زندگی، با دو چهره پراز لبخند... که حالا دیگر نیستند.

نجمه: به رنگ بهار، به رسم خاکی

بودن سحرگاه جمعه زندگی او در ۳۵ سالگی با حمله دشمن صهیونیستی متوقف شد؛ دختر بزرگ خانواده بود و سرشار

از زندگی. در لحظه زندگی می‌کرد و به همین دلیل اطرافیان از بودن در کنار او انرژی می‌گرفتند، اما سحرگاه جمعه با حمله ناجوانمردانه رژیم کودک‌کش به شهادت رسید. این روزها خانواده در غم فراق او سوگوار هستند. روایت زندگی زهرا که خانواده و دوستانش او را نجمه صدا می‌زدند، سرشار از شور و انرژی بود.

مریم یکی از دوستان زهرا شمس‌بخش در گفت‌وگو با «ایران» از زندگی و شهادت او این‌گونه روایت می‌کند: «زهرا متولد فروردین ۱۳۶۹ بود. همان فروردین لبخندها، باران‌ها و شکوفه‌ها. نامش در خانه «نجمه»

بود؛ اسمی که خودش دوست داشت و آن‌قدر ساده بود که به یاد پدرش نیندازد؛ پدری که قائم‌مقام وزیرعلوم بود. نجمه اما روی پای خودش ایستاد. نه از نام پدر استفاده کرد، نه از رانست، نه از عنوان. وقتی خودش را معرفی می‌کرد، همیشه فقط می‌گفت «زهرا شمس». نام فامیلی‌اش را کامل بیان نمی‌کرد تا کسی متوجه نشود او دختر یکی از مسئولان است. او دختری استوار بود که همیشه روی پای خودش می‌ایستاد و هیچ‌گاه از موقعیت پدرش استفاده نمی‌کرد. وی در ادامه گفت: «او مهندس کامپیوتر بود، از دانشگاه علم و فرهنگ، از

سال‌ها قبل در معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری مشغول کار شد. بی‌سروصدا، دقیق و مسئولانه. اما فراتر از مهندس بودن، نجمه یک انسان کامل بود؛ انسانی با روحیه لطیف، عاشق طبیعت، اهل سفر، کوهنوردی، دوچرخه‌سواری و کشف.

می‌شد. در سفرها، بلد راه خوشحالی بود. همیشه حواسش به بقیه بود. اولویتش این بود که حال دیگران خوب باشد.»

خانهای در همسایگی شهادت

خانواده شمس بخش ساکن

عضو هیأت‌مدیره خانه صمت ایران تأکید کرد:

افزایش پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد با حسابرسی سیستمی

خالقی گفت: سیستمی شدن امور مالیاتی کشور، چانه‌زنی و ارتباط مؤدی و سازمان امور مالیاتی را با یکدیگر به حداقل می‌رساند. زیرا کارها به‌صورت سیستمی و هوشمند صورت می‌گیرد و خطای انسانی در مالیات‌ستانی از بین می‌رود.

به گفته عضو هیأت‌مدیره اتاق صمت ایران، مالیات‌ستانی هوشمند و سیستمی به افزایش شفافیت در امور مالیاتی منجر می‌شود و شفافیت و عدالت مالیاتی حاصل از حسابرسی سیستمی منجر به پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد خواهد شد.

خالقی افزود: در سایه حسابرسی سیستمی، دولت می‌تواند میزان درآمدهای مالیاتی‌اش را برای سال بعد برآورد کند. مؤدیان هم می‌توانند تخمین بزنند که چقدر مالیات طی سال آتی باید بپردازند و مؤدیان می‌توانند با محاسبه دقیق مالیات پرداختی خود، برنامه‌ریزی عملیاتی برای رشد بیشتر خود را عملیاتی کنند. وی ادامه داد: افزایش شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد از اهمیت بالایی برخوردار است. در این شرایط، برنامه‌ریزی‌هایمان از منطق و

آرمان خالقی عضو هیأت‌مدیره خانه صمت ایران با اشاره به اهمیت هوشمندسازی نظام مالیاتی اظهار کرد: یکی از مهمترین اثرات هوشمندسازی نظام مالیاتی، تحقق عدالت در اخذ مالیات است که تحول بزرگی برای سازمان امور مالیاتی به حساب می‌آید؛ همواره مالیات در اذهان عمومی، حجم بالای پرونده‌های فیزیکی، راهروهای سازمان امور مالیاتی و برخورد با یک یا چند ممیز مالیاتی را به یاد می‌آورد ولی با تحقق حسابرسی سیستمی و داده‌محور ۹۵ درصد مؤدیان مالیاتی در سال ۱۴۰۳، تحولی بزرگ و بسیار مثبت به نفع مؤدیان قانون‌مدار و به ضرر فراریان مالیاتی در نظام مالیاتی کشور رخ داده است.

وی ادامه داد: سیستمی شدن نظام مالیاتی کشور اختلاف‌ها را به حداقل می‌رساند و از این نظر از اهمیت بالایی برخوردار است. در گذشته، نظر ماموران مالیاتی برای تعیین مبلغ مالیات مدنظر قرار می‌گرفت. این امر بستری برای بروز اختلاف میان مؤدیان و سازمان امور مالیاتی می‌شد.

در گفت‌وگو با یک کارشناس اقتصادی مطرح شد؛

کاهش فرار مالیاتی با اجرای حسابرسی سیستمی



استفاده از حسابرسی سیستمی، امکان فرار مالیاتی کاهش یافته و درآمدهای مالیاتی دولت افزایش می‌یابد. وی افزود: سیستمی شدن پرداخت مالیات همچنین از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری می‌کند. در بسیاری از کشورها، نظام مالیاتی کاملاً الکترونیکی شده و تمامی فرآیندها به‌صورت شفاف و دقیق انجام می‌شود. ما نیز باید در کشور به این سمت حرکت کنیم تا علاوه بر افزایش درآمدهای دولت، شفافیت اقتصادی را نیز تقویت کنیم.

اعتماد آن‌ها به دولت افزایش می‌یابد.

این کارشناس اقتصادی در ادامه به نقش حسابرسی سیستمی در افزایش درآمدهای مالیاتی اشاره کرد و اظهار کرد: مالیات یکی از مهمترین منابع تأمین بودجه کشور است و اگر به‌درستی دریافت شود، دولت می‌تواند از این منابع برای ارائه خدمات بهتر به مردم استفاده کند. در گذشته، به دلیل نبود یک سیستم دقیق، برخی مؤدیان مالیات واقعی مردم احساس کنند که مالیاتشان براساس یک سیستم شفاف و عادلانه محاسبه می‌شود،

یک کارشناس اقتصادی با تأکید بر اهمیت اجرای حسابرسی سیستمی در نظام مالیاتی، این روش را راهکاری مؤثر برای کاهش خطای انسانی، برقراری عدالت مالیاتی و افزایش درآمدهای دولت دانست.

سید رضا توکلی، کارشناس مسائل اقتصادی به مزایای اجرای حسابرسی سیستمی در نظام مالیاتی اشاره کرد و گفت: یکی از مشکلاتی که در گذشته در نظام مالیاتی وجود داشت، نقش ممیزان مالیاتی در تعیین مالیات مؤدیان بود. این امر باعث می‌شد که برخی مؤدیان احساس کنند مالیاتشان به‌درستی محاسبه نشده و به این موضوع اعتراض داشتند. در برخی موارد نیز گزارش‌هایی از سوءاستفاده و زد و بند در این حوزه وجود داشت.

توکلی افزود: با اجرای حسابرسی سیستمی، دیگر ممیزان مالیاتی به‌صورت مستقیم در تعیین میزان مالیات دخالتی نخواهند داشت و مالیات براساس اظهارنامه‌های مالیاتی و داده‌های شفاف محاسبه می‌شود. این امر باعث کاهش خطای انسانی و در نتیجه، افزایش عدالت مالیاتی خواهد شد. وقتی مردم احساس کنند که مالیاتشان براساس یک سیستم شفاف و عادلانه محاسبه می‌شود،

یک کارشناس اقتصادی تأکید کرد؛

اهمیت وافر مالیات برعایدی سرمایه در حل مشکلات اقتصادی

توجه به شرایط، از اقتصاد موجود یارانه می‌گیرند. در آمریکا ۸۵ درصد تسهیلات بانکی برای مردم است اما در کشور ما مردم عادی ۱۰ درصد تسهیلات بانکی را به خودشان اختصاص می‌دهند و وام‌ها دشت کسانی است که به دولت، بانک‌ها و سیستم دسترسی دارند.

سلطانی بیان کرد: علی‌رغم این که سیستم بانکی ما مشکلات فراوانی دارد مالیات بر عایدی سرمایه هم در کشور ما اخذ نمی‌شو. در صورتی که می‌توانست نقش قابل توجهی در بهبود وضعیت اقتصادی کشور داشته باشد. در کشور ژاپن و حتی در کل دنیا، سهم قابل توجهی از استخراج رمز ارزها مالیات گرفته می‌شود اما ما از اینها مالیات نمی‌گیرم. کار اصلی وزیر اقتصاد مالیات گیری است اما از مردم عادی مالیات تورمی می‌گیرد.



محسن سلطانی کارشناس اقتصادی در رابطه با لزوم رشد درآمدهای پایدار برای عبور از اقتصاد مبتنی بر فروش نفت اظهار کرد: دولت‌ها بنا به دلایل گوناگون، تفکر و شعارشان جداسازی بودجه از درآمد نفتی بودند اما در واقعیت کشور با فروش منابع اداره می‌شود یا با مالیات و یا بنگاه‌داری.

وی افزود: طبق این نظریات با توجه به مشکلات موجود ما باید به درآمدهای مالیاتی متکی شویم و در این شرایط این سؤال مطرح می‌شود که مالیات مورد نظر از چه کسانی باید گرفته شود؟ پاسخ این است که از مردم در صورتی که ماهیت اخذ مالیات این است که از افراد دارای ثروت و سرمایه بالا گرفته شود.

این کارشناس اقتصادی گفت: دولت‌ها به جای این اقدام به سمت اخذ مالیات تورمی گرایش دارند. تفاوت این نوع مالیات با مالیات عادی این است که در حالت عادی، مالیات از افراد با درآمد بالا گرفته می‌شود اما در نوع تورمی، مالیات از طبقات متوسط گرفته می‌شود که نابودکننده است.

سلطانی تصریح کرد: بخشی از درآمد دولت نیز به واسطه واگذاری دارایی‌ها و خصوصی سازی، از بین رفت در حالی که با درآمد آنها دیگر نیازی به راهکارهای دیگر نداشت. وی ادامه داد: اگر ما به اندازه کشور چین از املاک مالیات می‌گرفت، مالیات می‌گرفتیم کشورمان اینقدر مشکل نداشت اما به اندازه کشورهای نوبلیرال هم مالیات نمی‌گیریم و در این شرایط که متوسل به گرفتن مالیات از مردم می‌شویم، نتیجه این می‌شود که بودجه نداریم. این کارشناس اقتصادی خاطرنشان کرد: در شرایط تورمی موجود، این‌هایی که تسهیلات بانکی با بازپرداخت‌های پیش‌بینی شده شبیه این است که دارند سود بانکی دریافت می‌کنند. یعنی اینها در اصل با